

## قیام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ قم بررسی علل، زمینه ها، چگونگی، بازتابها و نتایج قیام

علی شیرخانی

رحلت مشکوک آیت ا... مصطفی خمینی، آغاز قیام عمومی

پس از چند حرکت اعتراض آمیز، از جمله تظاهرات دانشجویان و مردم در روز عید فطر و در صحن حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری، رحلت فرزند ارشد امام، آیت ا... مصطفی خمینی، در آبان ۱۳۵۶، شتاب خاصی به حرکت انقلاب اسلامی بخشید که می توان موج ناشی از آن را به عنوان آغاز قیام عمومی مردم علیه شاه دانست. پس از رحلت حاج آقا مصطفی، مجالس ختم مفصلی در داخل و خارج کشور به مناسبت شب هفت و چهلم ایشان، برگزار شد. در خلال هر یک از اینها، تظاهرات گسترده ای علیه رژیم شاه بر راه می افتاد. امام نیز به مناسبت چهلم فرزندش، طی بیاناتی، ضمن تشکر از همه طبقات مردم و علما، رحلت آقا مصطفی را «از الطاف خفیه الهی» دانسته و ضمن تأکید بر اهمیت فرصت سیاسی به دست آمده، به روحانیون متذکر شد که مبارزه علیه رژیم را شدت ببخشند. رحلت آقا مصطفی فرصت مغتنمی بود تا امام، بار دیگر به عنوان رهبر حرکت اسلامی مردم مطرح شود. این مسئله برای رژیم پهلوی بسیار گران بود. رژیم اذعان داشت که اگر امام خمینی بتواند بار دیگر رهبری تشکلهای سیاسی را به دست بگیرد، با استفاده از تشکیلات سراسری روحانیت، خواهد توانست بیداری آحاد مردم را نسبت به جنایات پهلوی، سبب گردد.

آتش حرکت مردم و انقلاب به مرور افروخته می شد و پیامها و سخنرانیهای امام نیز جهتگیری نهضت را مشخص می کرد. ضربه ای که به تصور رژیم شاه با رحلت آقا مصطفی باید بر امام وارد می شد، کارگر نیفتاد و امام در پاسخ به پیامهای تسلیت، نه تنها از تآلمات شخصی خود یاد نکرد، بلکه از وحدت مردم و استفاده از فرصتی که برای

سرنگونی رژیم بدست آمده سخن به میان آورد.

## جرقه قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ قم

بعد از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، رژیم شاه برای خنثی نمودن حرکت اسلامی مردم، امام را تبعید کرد و سعی فراوان داشت تا فرد یا تشکیلاتی را جایگزین خلاء وجودی امام بکند؛ تا به این وسیله بتواند از یکسو با ظاهر اسلامی و عوام پسند، نظر توده‌ها را از امام منحرف سازد و از سوی دیگر این فرد یا تشکیلات خطر چندانی برای حکومت ایجاد نکند. مرجع تراشی در مقابل امام و ... از حرکت‌های مشکوک بعد از تبعید امام تا روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بود. شخص شاه و رژیم وی، همواره سعی کردند تا یاد و خاطره امام را از اذهان ملت محو کنند و در این راستا با پخش اعلامیه و شبنامه، به امام توهین می‌کردند. پس از رحلت آیت‌الله مصطفی خمینی، دگر باره یاد و خاطره امام در دلها زنده شد و بار دیگر مردم و حوزه‌های علمیه متوجه نجف اشرف شدند و در مجالس و محافل از علل و چرایی عدم وجود امام در ایران سخن به میان آمد.

در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶، همزمان با سالروز کشف حجاب توسط رضا شاه و اعلام اصلاحات ارضی به وسیله محمدرضا شاه، روزنامه اطلاعات مقاله توهین آمیزی را علیه امام، روحانیت و مقدسات اسلامی منتشر کرد.

## توزیع روزنامه اطلاعات در قم

در روز شنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات در قم پخش شد. در صفحه هفتم روزنامه، مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار «احمد رشیدی مطلق» نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. نویسنده در آن مقاله، به طور صریح بی‌حجابی را فضیلت دانسته و حجاب کهنه پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شده و به امام خمینی، بزرگ مرجع عالم تشیع، اهانت کرده بود و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. روزنامه رستاخیز نیز در همان روز، تظاهرات گروه قابل توجهی از زنان مشهد را در مخالفت با کشف حجاب «تظاہری از یک اتحاد نامقدس» نامید.

داغی که رحلت آقا مصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود، تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود.

حوزه علمی قم به دنبال درج مقاله در روزنامه اطلاعات، حالت غیرعادی به خود گرفت و طلاب با رفتن به منازل مراجع، اعتراض خود را به رژیم شاه اعلام داشتند و با پیوستن مردم قم به جمع طلاب، این اعتراضات تبدیل به قیام نوزدهم دی ماه شد، که شرح حادثه در زیر می‌آید.

### عکس العمل مدرسین حوزه علمی قم

انتشار مقاله مذکور، موجی از خشم و نفرت را در دل‌های دوستان امام برانگیخت و مدرسین حوزه علمی آن زمان (حضرات آیات و حجج اسلام، یوسف صانعی، سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، محمد مؤمن، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی، سیدحسن موسوی تبریزی، وحید خراسانی و محمد یزدی) را واداشت که در منزل آیت‌الله ... حسین نوری گرد هم آیند تا اقدامی هماهنگ علیه رژیم داشته باشند.

پس از بررسی ابعاد گوناگون برخورد با رژیم، تصمیم گرفته شد که روز هجدهم دی، درس‌های حوزه علمی قم تعطیل گردد و قرار بر این شود تا هر یک از اعضای جلسه، تعطیلی دروس را در آن روز معین، به دیگر مدرّسان حوزه و مراجع اطلاع دهند.

شب یکشنبه و روز یکشنبه، بعد از نماز صبح به وسیله تلفن و ملاقات‌های خصوصی، به مراجع و اساتید و بسیاری از طلاب اطلاع داده شد و این مسئله مورد گفت‌وگوی بیشتر طلاب قرار گرفت و تصمیم بر آن شد تا کلیه دروس حوزه علمی در آن روز، تعطیل گردد.

### تظاهرات و حرکت به سوی منازل مراجع

طلاب تا ساعت ۹ صبح هجدهم دی، تنها به نقل اخبار مربوط به مقاله روزنامه اطلاعات پرداختند و بعد از آن با تشکیل اجتماع بزرگی در بیرون مدرسه خان، تظاهرات

خود را همچون امواج آرام رودخانه، به سوی منازل مراجع وقت آغاز کردند. آنگاه با تجمع در مقابل منازل هر یک از مراجع با دادن شعارهایی به حمایت از امام خمینی پرداختند. پلیس، ساواک و گروهی از افراد مسلح با سلاح گرم و سرد در مسیر آرام چهارمردان، به کمین نشستند تا مانع حرکت طلبه‌های تظاهرکننده که خالصانه در این راه قدم گذاشته بودند، شوند.

نیروهای امنیتی، در ابتدا با پورش به صف تظاهرکنندگان، سعی در جلوگیری از رفتن نمودند، اما با مقاومت طلاب که با سنگ و آجر و چوب، مقابله می‌کردند، مواجه شدند. در نهایت دژخیمان اعلام داشتند در صورتی که راهپیمایان شعار ندهند و آرام حرکت کنند، می‌توانند به تظاهرات خود ادامه دهند. آنگاه طلاب در خیابان چهارمردان به منزل آیت‌ا... گلپایگانی رفتند و ایشان طی سخنانی فرمود:

«اینها به آن آقا [امام خمینی] توهین نکردند، اینها به ما توهین کردند. برای اینکه اینها با این کارشان شان دادند و خواستند بگویند که آن آقا [امام خمینی] با ما مخالف است و مفهوم حرفشان این است که ما با اینها [رژیم شاه] موافقیم، اینکه ما با اینها موافقیم، توهین به ماست. ما در گذشته با اینها مخالف بوده‌ایم و در آینده نیز مخالف خواهیم بود».

سپس به ایشان در منزل خود برای طلاب خشمگین سخنرانی کرد و به طلاب وعده داد که ما ساکت ننشسته‌ایم، زیرا در پشت پرده اقداماتی در این زمینه انجام می‌دهیم و از طلاب خواست تا تشنج و آشوب برپا نکنند.

برنامه تظاهرات و رفتن به منازل مراجع، تا هنگام ظهر روز هجدهم دی ادامه یافت، تا اینکه تظاهرکنندگان برای ادای فریضه ظهر و عصر پراکنده شدند و قرار گذاشتند ساعت ۳ بعد از ظهر، جهت حرکت به سوی منزل آیت‌ا... نجفی مرعشی، جلوی مدرسه خان تجمع نمایند. در ساعت مقرر بار دیگر جمعیت متشکلی در جلوی مدرسه خان به وجود آمد و حرکت خود را به سوی منزل آقای نجفی مرعشی شروع کردند. آیت‌ا... نجفی مرعشی هم به ایراد سخن پرداخت و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و از جمله مسئله اهانت به مرجع تقلید جهان تشیع و... دعا نمود.

بدین ترتیب برنامه تظاهرات علیه رژیم و حرکت به سوی منازل مراجع ادامه پیدا

کرد.

## شرکت دانش آموزان در تظاهرات

در حالی که روز هجدهم دی ماه می رفت تا به غروب پایان پذیرد، نوجوانان دانش آموز دبیرستانهای قم، با بیشترین میزان غرور و شهامت، به صف روحانیون پیوستند. نماز جماعت مغرب و عشا در مسجد اعظم برگزار شد و بعد از نماز، طلاب و دانش آموزان و مردم همراه، مسجد را با شعارهایی که از جانشان برمی خاست تکان داده و فریاد زدند:

«مرگ بر این حکومت یزیدی»

«مرگ بر این حکومت پهلوی»

«دانش آموز روحانی پیوندتان مبارک»

مردم به تظاهرات خود آرامش بخشیده و در مسجد اعظم و در حرم حضرت معصومه ادامه دادند. فریادهای خالصانه آنان در سنگر مبارزه، با الهام از مکتب توحید، باعث تحریک عواطف و احساسات مردم موجود در حرم حضرت معصومه (س) و به حرکت در آمدن آنان شد.

در مقابل این صحنه پرشور و فضای روحانی، پلیس به وحشت افتاد و دستور داد که همه مردم را از حرم و صحن مطهر خارج کنند. نیروهای نظامی و انتظامی، همراه با ماشینهای آتش نشانی، برای پاشیدن آب به مردم و متفرق کردن آنان، در خیابان موزه و در برابر دو در «مسجد اعظم»، آماده ایستادند. کثرت جمعیت، قدرت کنترل را از دست پلیس خارج ساخت؛ چرا که این وحدت و همبستگی، پاسخی محکم بود به مخالفان. سرانجام پس از یک ساعت، شعارهای مردم قطع شد و جمعیت، آرام آرام از مسجد و حرم حضرت معصومه (س) بیرون آمدند. پلیس در ابتدای خروج مردم از حرم و مسجد، واکنشی نشان نداد اما آخرین نفرات مورد ضرب و جرح نیروها قرار گرفته و در دو طرف پل آهنچی طلاب نیز با باتوم، مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

بعد از خروج از مسجد اعظم و حرم، عده ای از جمعیت به سمت خیابان صفائیه و عده بیشتری به سوی چهار مردان حرکت کردند. آن شب در ظاهر مبارزه تمام شده بود، اما نه برای همیشه. آن روز آغازی بود برای مبارزان تا در خلوت تنهایی خویش، رشته افکارشان را حلاجی کنند.

## تظاهرات روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶

در آن روز، بعضی از آقایان، درس خود را شروع کردند؛ اما وقتی با اجتماع طلاب روبه رو شدند، بناچار درس را تعطیل کرده و در نهایت، تمام دروس حوزه، همان روز تعطیل شد. عده‌ای از بازاریان، روز قبل، با فضیلاب آن زمان که در حقیقت رهبری حرکت را به عهده داشتند، وارد مذاکره شدند و قرار بر این شد تا روز نوزدهم دی ماه بازار نیز تعطیل شود. در آن روز، بازاریان از ساعت ۸ صبح به صفوف طلاب پیوستند و بدین سان موجی از اقشار مختلف مردم، در مقابل مدرسه خان و میدان آستانه تجمع کردند و شهر قم، حالت روز عاشورا به خود گرفت. طلاب و تظاهرکنندگان، شروع به رفتن به در منازل بزرگان حوزه نمودند. مقصد و منزل اول، منزل آیت‌ا... میرزا هاشم آملی (ره) بود. وقتی که تظاهرکنندگان به مقابل منزل ایشان رسیدند، آیت‌ا... آملی طی سخنانی به بیان عظمت و شخصیت فوق العاده امام خمینی پرداخت و هیئت حاکمه و رژیم پهلوی را مورد نفرت روحانیت و ملت قلمداد نمود. سپس طلاب و مردم خشمگین در مقابل منزل علامه طباطبایی تجمع کردند، ولی به علت کسالت علامه، آیت‌ا... محمد یزدی که همسایه علامه بود، به نمایندگی از طرف وی، راجع به شخصیت امام خمینی و مبارزات ایشان و محکومیت رژیم پهلوی در اهانت به امام و روحانیت، سخنانی ایراد کرد. تظاهرکنندگان آنگاه در منزل و مدرسه آیت‌ا... مکارم شیرازی تجمع نمودند و وی طی سخنانی گفت: «مسئله، مسئله هتاکی نسبت به آیت‌ا... العظمی آقای خمینی نیست، این در واقع هتاکی به تمام مقدسات و به همه ماست... طلاب نباید از همدیگر جدا شوند و باید وحدت داشته باشند. اگر بناست زنده بمانیم همه باید زنده بمانیم، و اگر بناست بمیریم، همه باید بمیریم، جدایی بین ما نخواهد بود».

سپس طلاب به منزل آیت‌ا... وحید خراسانی رفتند، وی در اجتماع طلاب و تظاهرکنندگان درباره مسئله آزادی زن و جایگاه آن در اجتماع از نظر اسلام به سخنرانی پرداخت\* . حرکت طلاب و تظاهرکنندگان ادامه یافت، تا اینکه هنگام ظهر جمعیت پراکنده شدند و برای ساعت ۳ بعد از ظهر قرار گذاشتند که به منزل آیت‌ا... حسین نوری بروند و اظهار تظلم کنند.

\* علت اینکه آقای وحید خراسانی درباره آزادی زنان و... سخنرانی کرد، شاید به خاطر روز ۱۷ دی بوده است که روز زن و بانوان در رژیم پهلوی نام گذاری شده بود و بی‌حجابی تبلیغ می‌گردید.

وینام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ قم

## چهره و فضای شهر قم در ۱۹ دی ماه

تظاهرات عظیم و گسترده طلاب و تعطیلی بازار، چنان اثر مثبت و عمیقی در مردم قم گذاشت که حتی صاحبان مغازه‌های اطراف حرم حضرت معصومه که جز در ایام عاشورا، ۲۱ رمضان و ۲۸ صفر تعطیل نمی‌کردند، همگی مغازه‌های خود را بستند. در بین مردم همه جا بحث و گفت‌وگو درباره مقاله روزنامه اطلاعات بود. زن و مرد، بچه و بزرگ از اهانت رژیم سخن به میان آورده و نفرت و انزجار خود را از رژیم سفاک پهلوی و تهیه‌کنندگان مقاله، اعلام می‌کردند.

هرکس به میزان آشنایی اش با مسائل سیاسی و اجتماعی، در این باره به صحبت می‌پرداخت. عده‌ای از رواج بی‌عفتی‌ها سخن گفتند و عده‌ای از نابود شدن فرهنگ اسلامی. آری! ریشه درخت اسلام را افعی گزیده بود و بازهر دندانش، دیگر شاخساران سبز نمی‌شدند مگر اینکه نسیمی ملکوتی نوازشش دهد و نهالی به بار نشاند، تا عاشقانی درخت اسلام را با نثار خون پاکشان سیراب سازند، چگونه می‌توان پادزهری بر آن جست؟!

## بعد از ظهر ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶

طلاب و مردم ساعت ۳/۱۵ روز دوشنبه، نوزدهم دی در میدان آستانه و مقابل مدرسه خان جمع شدند و به سوی منزل آیت‌ا... حسین نوری حرکت کردند. به مرور به علت کم شدن ترس و وحشت و همین‌طور عادی شدن مسئله، جمعیت بیشتری از طبقات مختلف مردم وارد تظاهرات می‌شدند. کماندوهای زبده و مأمورین انتظامی و نظامی در سه راه موزه و چهار راه بیمارستان و خیابان ارم، با آمادگی کامل می‌ایستادند. جمعیت انبوه تظاهرکننده به منزل آیت‌ا... حسین نوری در خیابان صفائیه و کوچه بیگدلی رسیدند؛ انبوه جمعیت به گونه‌ای بود که اتاقها و حیاط منزل ایشان و کوچه بیگدلی تا خیابان صفائیه مملو از جمعیت شده بود. در منزل آیت‌ا... نوری، ابتدا حجة الاسلام والمسلمین سیدحسین موسوی تبریزی سخنرانی کرد. وی در سخنان خود به مسئله امامت و رهبری امام خمینی و همین‌طور حکومت اسلامی و وظیفه مردم در قبال مسئله اهانت روزنامه اطلاعات اشاره کرد، سپس آیت‌ا... نوری برای مردم خشمگین چنین گفت: «هر کجا نهضت قابل توجهی به وجود آمده، روحانیت راستین

اسلام در پیشاپیش آن نهضتها در حرکت بوده و رهبری نهضت به دست آنان هدایت می شده، روحانیت در حرکت جامعه نقش مؤثر و خلاقیتی داشته است و مردم مسلمان با روحانیت اصیل هستند و روحانیت اصیل با آیت ا... العظمی آقای خمینی و در پشت سر ایشان و مبارزه دستگاه طاغوتی با اسلام و رهبری آیت ا... خمینی به جایی نخواهد رسید. « آیت ا... نوری خطاب به شاه و مقایسه کارهای امام با شاه، این شعر را خواند:

چون تو خفاشان بسی بیند به خواب      این جهان مانند یتیم از آفتاب  
مه فشانند نور و سگ عوعو کند      هر کسی بر طینت خود می تند

جمعیت پس از استماع سخنان تند و صریح آیت ا... نوری علیه رژیم شاه و در حمایت از امام خمینی و نهضت اسلام، جری تر شده و با شعارهای تند علیه رژیم، به حمایت از امام خمینی پرداختند و حرکت خود را به طرف خیابان صفائیه ادامه دادند. در میان تظاهرکنندگان، زنان، کارگران، کسبه، دانشجویان و کودکان مدرسه ای مشاهده می شدند. تا آنجایی که حرکت جمعیت بلامانع بود و آنها بدون اینکه مشکل اساسی برایشان به وجود آید به محکوم کردن عمل ننگین رژیم در اهانت به امام و روحانیت پرداختند.

### کشتار علنی مردم

هنگام غروب روز دوشنبه نوزدهم دی ماه، جمعیت تظاهرکننده خشمگین، از خیابان صفائیه به طرف چهار راه بیمارستان (چهار راه شهدا فعلی) حرکت کردند و قصدشان این بود که از طریق خیابان ساحلی به منازل آیت ا... سلطانی طباطبایی و آیت ا... مشکینی بروند و نزد آنها نیز اظهار تظلم نمایند. هنوز ده دقیقه از راهپیمایی نگذشته بود که یک مرتبه جمعیت با شتاب و فشار هر چه تمامتر به عقب برگشت. هر کس و هر گروهی به سمت و سویی رفت؛ چرا که در جلوی صف تظاهرات، ضحاکیان قد علم کرده بودند. گویا به دستور کامکار و محمدی که از رؤسای نیروهای امنیتی قم بودند، برای زمینه سازی حمله به تظاهرات مردمی که با گامهای آزاد و خاطری بی تشویش پیش می آمدند، اقدام به شکستن شیشه های بانک و مؤسسات واقع در میدان شهدا نمودند. پلیس با این بهانه با باتوم و چماق به طلاب و مردم حمله ور شد و سپس تیرهوائی شلیک کرد. بعد از آن به طور علنی مردم را مورد هدف قرار داد و بر زمین



انداخت. سپس پیکار خونین آغاز شد و طلاب و جمعیت ابتدا با مشت و لگدبه مقابله با مأموران پرداختند و سپس بلوط کهنسال در میدان نبرد حضور یافت و شاخه های خشکیده اش را به دستان آتشین سرسپردگان توحید نهاد. بدین صورت بعد از دو روز تظاهرات آرام تظاهرکنندگان علیه اهانت و بی حرمتی رژیم به مرجع عالیقدر جهان تشیع، بعد از ظهر روز دوشنبه نوزدهم دی ماه به خاک و خون کشیده شدند.

تظاهرکنندگان با دیدن اجساد چهارتن از شهدای این تظاهرات، به آرامی آنان را به دوش گرفتند و با شعارهای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» حرکت کردند و قصدشان بر این بود که شهدا را به منزل آیت ا... نجفی مرعشی برسانند. در این زمان صدای رگبار گلوله از هر سو طنین انداز می شد و نشانگر آن بود که راهپیمایان در هر نقطه ای از شهر پراکنده شده اند. آتش درخیم همچنان ادامه داشت، به طوری که به شهادت آمار، حدود پانزده نفر از اقشار مردم، در آن روز شهید و یا زخمی شدند.

### انتقال مجروحین و شهدا

بعد از حمله مأموران رژیم به صف تظاهرکنندگان بی دفاع، مردم در حد توان خود، به انتقال مجروحین و پیکر شهدا پرداختند. سه تن از شهدا و عده ای از مجروحین به بیمارستان آیت ا... گلپایگانی انتقال یافتند. مأموران به محض اطلاع از این انتقال، به بیمارستان گلپایگانی رفته و از مسئولین بیمارستان خواستند که اجساد شهدا را به آنان تحویل دهند. ولی مسئولین بیمارستان، با آیت ا... گلپایگانی مشورت کردند و ایشان هم موافقت نکرد که اجساد را به مأموران تحویل شود.

مجروحین این قیام با همکاری مردم و پزشکان، سرپایی و در بیمارستانهایی که احتمال همکاری پزشکان و کارکنان با مردم انقلابی داده می شد، مداوا شدند.

### بازتابها

روز بیستم دی ماه، طلاب در دروس خود حاضر نشدند و حوزه، خود به خود تعطیل شد و شهر قم در سکوتی غمناک و بسیار تلخ فرو رفت. مدرسان و علما با یکدیگر به شور و مشورت پرداختند تا اطلاعیه ای در محکومیت کشتار مردم و طلاب صادر کنند. اطلاعیه نوشته شد و به امضای علمای وقت رسید و آنگاه منتشر گردید.

طی آن، ضمن محکوم کردن کشتار مردم، این سوال را مطرح کردند که: «آیا فضای باز سیاسی به این معناست که اگر کسانی به مطالب غیرواقعی روزنامه، اعتراض می کنند، در برابر گلوله قرار گیرند؟».

رژیم شاه با وحشت از ارتکاب کشتار قم، شب بیستم دی ماه، به عنوان اولین اقدام، شهر را مملو از نیروهای امنیتی کرد، جو رعب و وحشت ایجاد نموده و شهر را به نوعی به حکومت نظامی تبدیل کرد. مأموران ساواک از روز بیستم دی ماه به بعد، به منازل علما و روحانیون مبارز و طلاب انقلابی یورش برده و به دستگیری و تبعید آنان پرداختند. پزشکان متدین و متعهد قم نیز در روز بیستم دی ماه با صدور اطلاعیه ای، ضمن محکوم کردن اعمال رژیم، کمیته ای جهت مداوای مجروحین و مصدومین واقعه تشکیل دادند.

روز بیست و یکم، دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران، در محوطه دانشگاه اجتماع کردند تا به کشتار بی رحمانه مردم قم و سایر بیدادگرهای رژیم اعتراض کنند، که با حمله کماندوها و دیگر نیروهای دولتی روبه رو شدند. در این جریان، حدود هشتاد دانشجو مجروح و مضروب شدند. علما و وعاظ تهران و سایر شهرستانها، با انتشار یک اعلامیه، گزارشی از چگونگی قیام مردم قم را به ملت ایران ارائه دادند و جنایات رژیم شاه را آشکار ساختند. جامعه بازرگانان و پیشه وران تهران نیز در اعتراض به کشتار قم، با انتشار اطلاعیه ای اعلام تعطیل عمومی کرد.

مراجع قم، در روز بیست و دوم دی ماه اطلاعیه ای جداگانه صادر کردند و ضمن محکوم نمودن اعمال رژیم در به خاک و خون کشیدن مردم قم، متذکر شدند که، رژیم به جای توجه به اعتراض صحیح و منطقی طلاب و مردم، اعمالی را که در تمام جوامع بشری محکوم است مرتکب شده و با اسلحه گرم به آنها حمله ور می شوند و بیگناهان را به قتل و جرح می رسانند. ما مصادر امور را مسئول این قضایا می دانیم و شدیداً معترض هستیم.

رژیم شاه به وسیله عمال ساواک، ترتیب تظاهراتی را که مرکب از کارمندان آموزش و پرورش تهران، اعضای حزب رستاخیز و دیگر کارمندان دولت بود، داد و سعی نمود و انمود کند که روشنفکران ایران، شورش مرتجعین قم را محکوم می کنند.

تظاهرکنندگان قلابی، صبح روز بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۶ سوار بر اتوبوسها

شده و راهی قم شدند. آنان در شهر قم طی یک راهپیمایی، به حمایت از شاه پرداخته و «جاوید شاه» گویان به سمت حرم حرکت کردند.

عکس العمل دیگر رژیم در قبال واقعه نوزدهم دی ماه، که به عزم انحراف افکار عمومی از رهبری امام و مسیر صحیح و اصولی مبارزه انجام شد، دادن اجازه فعالیت به برخی از گروههای موافق سلطنت بود که خواهان اصلاحاتی جزئی بودند. در همین دوران، اعلام موجودیت «کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر» در شمار اخبار جالب توجه است. نماینده هیئت اجراییه این کمیته - که یکی از رهبران جبهه ملی بود - با دعوت از خیرگزاریهای معتبر جهان (آسوشیتدپرس، رویتر، یونایتدپرس، بی بی سی، واشنگتن پست، گاردین) به طور رسمی موجودیت این کمیته را اعلام کرد. وی در این مصاحبه نه تنها رژیم شاه را به عنوان عامل اصلی اختناق و جنایت محکوم نکرد، بلکه حتی حاضر نشد کشتار مردم قم را محکوم کند. و تنها به اظهار تأسف اکتفا کرد.

در آن زمان، حرکتهای نمایشی ای از سوی رژیم به حمایت از شاه انجام شد و انقلابیون و رهبران مذهبی نیز فعالیت سیاسی و مذهبی خود را علیه رژیم شدت بخشیدند. چهلم شهدای قم فرارسید. این چهلم، خود نتایج بسیار جالبی برای انقلاب و حرکتهای بعدی در پی داشت.

امام خمینی که در آن زمان در نجف اشرف به سر می برد، در بخشی از بیانات خود که به مناسبت چهلم شهدای واقعه نوزدهم دی ماه قم بیان داشتند، فرمودند:

«الان امروز چهل روز است که از مرگ جوانهای ما، از مرگ طلاب علوم دینی، علمای بزرگ، جوانان متدین قم می گذرد... با چه شجاعت این اهل قلم و طلاب علوم دینی، با چه شجاعت که شاید در تاریخ کم نظیر باشد و دست خالی با این دولت و با این عمال شاه مبارزه کردند و کشته دادند و حتی در خیابانها و در کوچه ها و در پس کوچه ها از قراری که ذکر شده است مأمورین ریخته اند و مردم هم بعد از کشتار، آنقدر که می شده است مقاومت کرده اند.»

### نتایج و پیامدها

واقعه نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، به لحاظ نتایج و پیامدها از چند نظر شایان توجه است:

اول آنکه: سازش شاه و کارتر و توخالی بودن شعار حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی

شاه را به مردم ایران نشان داد و مردم را متوجه کرد که این شعارها و سیاستها حربه‌ای بیش نیست. دوم آنکه: ثابت کرد که شاه از حرکت مذهبی - سیاسی به رهبری روحانیت و در رأس آنها امام، بیش از هر حرکت سیاسی دیگر وحشت دارد و آن را تهدید بزرگی علیه حاکمیت خو - می داند.

سوم آنکه: آنچه را که رژیم از آن وحشت داشت - که همان مطرح شدن رهبری امام در حوزه‌های علمیه بود - به تبع قیام نوزده دی، رهبری امام در حوزه‌های علمیه و به حرکت در آمدن روحانیت در خط امام، زمینه‌ی قرار گرفتن نهضت در مسیر صحیح مبارزه را فراهم آورد و حتی ترندهای بعدی رژیم را بی اثر ساخت.

چهارم آنکه: قیام نوزده دی قم ثابت نمود که جریان حقوق بشر و فضای باز سیاسی، طبیعه‌ای برای میدان دادن به ملیون، لیبرالها و ... بوده و آمریکا و رژیم شاه، عملاً در جذب مردم به سوی میانه‌روها موفقیتی نداشته‌اند و در ضمن این جریان هیچ پایگاهی در میان مردم به دست نیاورده است.

پنجم آنکه: متحجرین و مقدسین حوزه‌ها، و کسانی که مروج جدایی دین از سیاست بودند و همواره درس و بحث و فقه و اصول و ... را به مبارزه با شاه ترجیح می دادند، شکست خوردند و مردم نیز دانستند که باید سراغ چه کسانی بروند.

ششم آنکه: رژیم شاه را در مقابل مردم قرار داد و ماهیت ضد مردمی آن را برای بسیاری آشکار ساخت و از آن پس بود که شعار «مرگ بر شاه»، شعار اصلی و تکیه کلام توده‌های انقلابی شد.

هفتم آنکه: باعث تعمیق و مردمی شدن نهضت و شرکت هر چه بیشتر توده‌های مذهبی بویژه جوانان در آن گردید.

هشتم آنکه: برخی از احزاب و جمعیت‌های سیاسی که حرکت سیاسی خود را با اتکا به حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی ایجاد شده توسط شاه و در چهارچوب قانون اساسی شکل داده بودند، به تدریج از حرکت انقلابی امام و مردم جدا شدند و به دامن آمریکا و غرب توسل جستند.

نهم آنکه: با قیام قم، آهنگ حرکت انقلاب به صورت «استراتژی چهارم» یا «پشت سر هم، با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فزاینده و گسترده تری به خود گرفت و رهبری امام در این حرکت به عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد.